



## Rock Art of Tang-e Darband Zhiwar, the Hawraman/ Uramanat World Heritage Region, Kurdistan Taher Ghasimi, Akam Ghasimi, and Mohammad Reza Qadri

### Abstract

This paper presents the results of the study and analysis of the rock art of Tang-e Darband Zhiwar in the Hawraman/Uramanat World Heritage Site, Kurdistan province, located in the western Zagros. The Zhiwar rock art, situated within a karstic gorge, was first identified in 2015 and subsequently documented systematically in 2017. The motifs at this site can be classified into three main groups: anthropomorphic (including hunters armed with bows, arrows, and spears), zoomorphic (including wild goats, sheep, horses, feline, and wolves), and symbolic/geometric (such as circles and spiral lines). Based on evidence including stylistic diversity, execution techniques, and varying patina layers, it can be argued that these motifs were created during different time periods and by different human groups. A relative chronology based on the style and execution technique of the motifs suggests three main periods for Zhiwar: The first period, likely belonging to the Bronze Age, is characterized by dense and skillful depictions of wild goats and archer hunters on the higher sections of the cliff wall. The second period, associated with the Iron Age, sees the appearance of motifs such as horse riders and various animal species executed with an indirect pecking technique. The later period, related to the historical and Islamic eras, consists of simplified and imitative motifs made using a direct percussion technique. The central theme of these panels is hunting, with the wild goat motif being exceptionally prevalent and symbolically significant, indicating the pivotal role of this animal in the subsistence and beliefs of the people of that era. The presence of specific motifs like the horse, the trident spear (a potential symbol from neighboring Iron Age and historical cultures), and ropes, reflects cultural interactions and technological developments throughout different periods. These petroglyphs likely served functions such as territorial marking, recording migration routes, transmitting environmental knowledge, and possibly even for performing specific rituals.

**Keywords:** Rock Art, Tang-e Zhiwar, Hawraman, Uramanat, Kurdistan.

<https://doi.org/10.22034/JINM.2026.2077501.1109>

© 2025 Iran National Museum. All rights reserved

### مطالعه و تحلیل نقوش صخره‌ای تنگ دربند ژبوار، منطقه میراث جهانی هورامان، کردستان طاهر قسیمی<sup>\*</sup>، آکام قسیمی<sup>\*\*</sup> و محمدرضا قدری<sup>\*\*\*</sup>

#### چکیده

در این مقاله نتایج مطالعه و تحلیل نقوش صخره‌ای تنگ دربند ژبوار در منطقه میراث جهانی هورامان، استان کردستان، در نیمه غربی زاگرس ارائه شده است. مجموعه ژبوار که در یک تنگ کارستی واقع شده اند، نخستین بار در سال ۱۳۹۴ شناسایی و سپس در سال ۱۳۹۶ به طور نظام‌مند مستندنگاری شد. نقوش این محوطه به سه گروه اصلی انسانی (شامل شکارچیان مسلح به تیر و کمان و نیزه)، جانوری (شامل بز کوهی، قوچ، اسب، پلنگ و گرگ) و نمادین (مانند دایره و خطوط مارپیچ) قابل تقسیم‌بندی هستند. بر اساس شواهدی از جمله تنوع سبک، تکنیک‌های اجرا و لایه‌های زنگار متفاوت، می‌توان استدلال کرد که این نقوش در دوره‌های زمانی و گروه‌های انسانی مختلف خلق شده‌اند. بر اساس گاه‌نگاری نسبی مبتنی بر سبک و تکنیک اجرا نقوش، سه دوره اصلی را می‌توان برای ژبوار پیشنهاد داد: دوره اول که احتمالاً به عصر مفرغ تعلق دارد، با نقوش متراکم و ماهرانه بز کوهی و شکارچیان کماندار در ارتفاعات بالای دیواره؛ دوره دوم که مرتبط با دوره آهن است، با ظهور نقوشی مانند اسب‌سواران و گونه‌های جانوری متنوع با تکنیک کوبشی غیرمستقیم؛ و دوره متأخر مربوط به ادوار تاریخی و اسلامی که شامل نقوش ساده‌شده و تقلیدی با تکنیک کوبش مستقیم است. موضوع محوری در این نقوش، شکار است و نقش بز کوهی از فراوانی و اهمیت نمادین فوق‌العاده‌ای برخوردار است که نشان‌دهنده جایگاه محوری این حیوان در معیشت و باورهای مردمان آن دوران است. وجود نقوش خاص مانند اسب، نیزه سه‌شاخه (نمادی احتمالی از فرهنگ‌های همجوار دوره آهن و دوران تاریخی) و طناب، بازتابی از تعاملات فرهنگی و تحولات فناورانه طی ادوار مختلف است. این نگاره‌ها احتمالاً کارکردهایی همچون علامت‌گذاری قلمرو، ثبت مسیرهای کوچ، انتقال دانش محیطی و یا حتی انجام آیین‌های خاص را داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** نقوش صخره‌ای، تنگ دربند ژبوار، هورامان، کردستان.

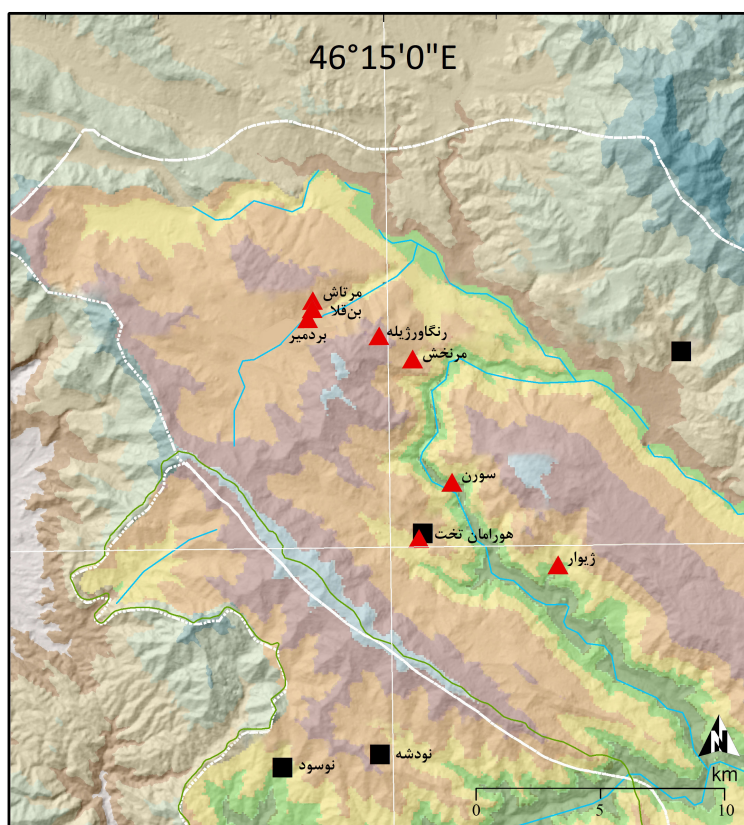
\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، دوره تاریخی sghasimi@gmail.com  
\*\* کارشناس مهندسی معماری akamghasimi@gmail.com  
\*\*\* دانش‌آموخته دکترای زمین‌ریخت‌شناسی، دانشگاه تبریز mreza\_ghadri@yahoo.com

## تاریخچه پژوهش‌ها

کردستان یکی از مناطق غنی از لحاظ هنر صخره‌ای است که عمدتاً به شکل نگارند هستند. برای نخستین بار جمال لحافیان تعدادی از نقاط دارای نقوش صخره‌ای را در سال ۱۳۷۹ خورشیدی در منطقه هورامان شناسایی کرد (Lahafian 2004). در سال ۱۳۸۴ طاهر قسیم‌ی به صورت گسترده نقوش صخره‌ای این منطقه را مورد بررسی و بازنگری مجدد قرار داد که طی آن هشت مجموعه از این آثار (در نزدیکی روستاهای هورامان تخت، بندول، درکی و کوه کوسالان) به صورت جامع مورد مطالعه قرار گرفتند که در این میان مجموعه نقوش هورامان تخت و بن قلا (درکی) برای نخستین بار شناسایی و معرفی شدند (قسیمی ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، (Ghasimi 2007)). همچنین در اردیبهشت ۱۳۹۴ در راستای بررسی باستان‌شناختی محدوده سد و نیروگاه داریان در استان‌های کردستان و کرمانشاه، به سرپرستی دکتر فریدون بیگلری چندین مجموعه نقوش صخره‌ای در مناطق مختلف هورامان مانند نودشه، دشتی قلبی، کیمنه و ژبوار توسط طاهر قسیم‌ی شناسایی و به‌طور مقدماتی مستندنگاری شد (بیگلری و همکاران ۱۳۹۵) (شکل ۱). نقوش ژبوار در سال ۱۳۹۶ و همزمان با مطالعات مرتبط با تهیه پرونده ثبت جهانی هورامان توسط قسیم‌ی و همکاران به صورت دقیق بررسی و مستندسازی شد. در این مقاله نتایج این بررسی و مستندسازی از نقوش ژبوار ارائه می‌شود.

## تنگ ژبوار

نقوش ژبوار در دره صخره‌ای به نام دربند در دامنه جنوبی رشته کوه کوسالان و شمال روستای ژبوار واقع شده است. روستای ژبوار در شهرستان سروآباد استان کردستان قرار دارد و رودخانه مهم سیروان از فاصله حدود دو کیلومتری جنوب روستا عبور می‌کند (شکل ۴ و ۵). دربند ژبوار یک تنگ کارستی است که نزدیک به ۱۵ متر بلندا، ۶۰ متر درازا و ۲ تا ۵ متر پهنا داشته و در سنگ‌های انحلال‌پذیر آهکی پدید آمده است. سنگ بستر این تنگ، تناوبی از آهک‌های نازک لایه چرت‌دار توربیدیتی، چرت، رادیولاریت، آهک‌های اولیتی، شیل و مارن‌های سبز خاکستری هستند که مربوط به دوره ژوراسیک بالایی هستند. دو عامل زمین‌ساختی و انحلال موجب پیدایش دربند ژبوار شده‌اند. سازندهای آهکی در برابر انحلال حساس بوده و در دوره‌های پرآب گذشته توسط جریان‌های آبی بریده شده‌اند. فرایندهای زمین‌ساختی مانند گسل‌ها این سنگ‌ها را دچار شکستگی کرده و فروریختگی‌های ناشی از گسل خوردگی، ساختار سنگ‌ها را بیشتر برای فروری آب و انحلال آماده کرده است. تنگ ژبوار در مسیر یک گسل شمال غربی قرار گرفته که در مسیر شمال شرقی- جنوب غربی گسترش یافته است. این گسل عامل اصلی پیدایش تنگ و فروریختگی‌های سنگی آن به شمار می‌آید.



شکل ۱. نقشه پراکنش مکان‌های شناخته‌شده نقوش صخره‌ای در منطقه هورامان در استان کردستان و موقعیت نقوش صخره‌ای ژبوار.

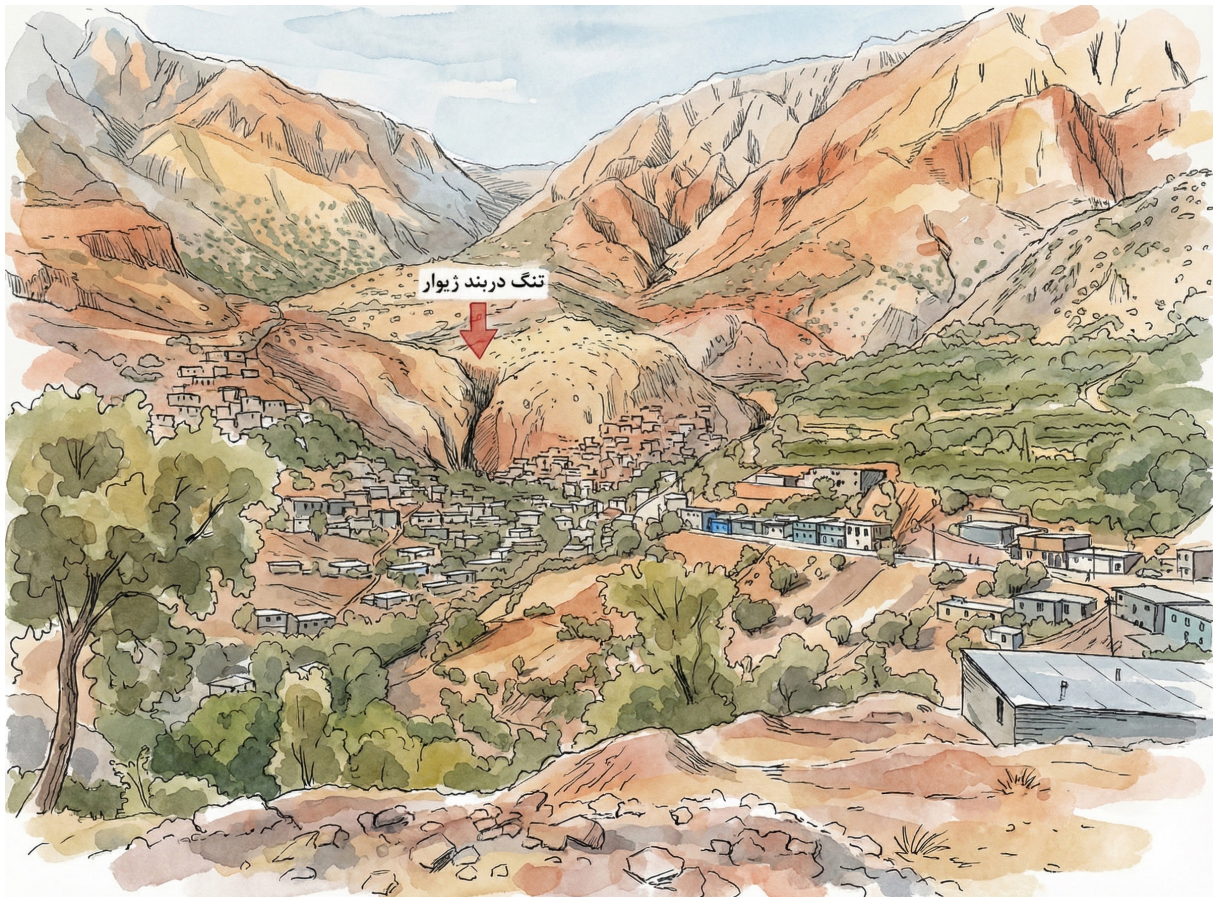
۳- انباشته شدن لایه نازکی از کانی‌های کربناته همراه با عناصر دیگر موجب صاف شدن سطح رویی دیوار شده و شرایط مناسبی را برای ایجاد نقوش صخره‌ای در این تنگ فراهم کرده است.

### نقوش صخره‌ای ژبوار

نقوش صخره‌ای ژبوار در داخل تنگ دربند و بیرون آن (بن دگا) به صورت مجموعه‌ای و پراکنده ایجاد شده‌اند. نقوش ژبوار در سه گروه انسانی، جانوری و هندسی (نمادین) قابل دسته‌بندی هستند. نقوش انسانی شامل افرادی در حال شکار با ابزارهایی مانند تیر و کمان، تیردان، خنجر و نیزه است. نقوش جانوری شامل نقوش بز کوهی، قوچ، گراز، اسب، پلنگ و گرگ است (شکل ۷). نقوش ترکیبی (انسانی-جانوری) شامل سوارکاران و نقوش هندسی یا نمادین شامل نقوش دایره، خطوط مارپیچ مانند و اشکال نامشخص است. تنوع سبک و تکنیک ایجاد و همچنین وجود لایه‌های رسوبی متفاوت روی سطح نقوش نزدیک به هم، نشان از آن دارد که نقوش ژبوار در دوره‌های مختلف زمانی ایجاد شده و تصویرگران متفاوتی داشته‌اند. نقوش قدیمی و اصیل‌تر ژبوار در سه سبک متفاوت و به صورت مجموعه‌ای ترسیم شده‌اند هر مجموعه از نقوش روایتگر یک داستان با موضوعی خاص در زمان خود بوده است.

در اطراف روستای ژبوار چشمه‌های پر آب فراوانی وجود دارد و یک جویبار فصلی نیز از میان تنگ ژبوار می‌گذرد، آبرفت‌های درون آن نشان می‌دهد که در فصل بارش دارای جریان آب بیشتری بوده و در پایین روستا به رودخانه گردلان پیوسته و از آنجا به رودخانه سیروان و سد داریان وصل می‌شود. برخی از بریدگی‌ها در بخش بالا دست دیوارهای تنگ دیده می‌شوند و بیانگر این هستند که کف تنگ در گذشته بالا بوده و آب در تراز بالاتری نسبت به امروز جریان داشته است. با گذشته زمان فرسایش موجب پایین رفتن کف تنگ شده و این بریدگی‌ها در بخش بالاتری قرار گرفته‌اند پس دلیل تفاوت ترسیم نقوش در ارتفاع بین ۱ تا ۶ متر روی دیواره صخره‌ای ژبوار برای ما روشن می‌شود (شکل ۲ و ۳).

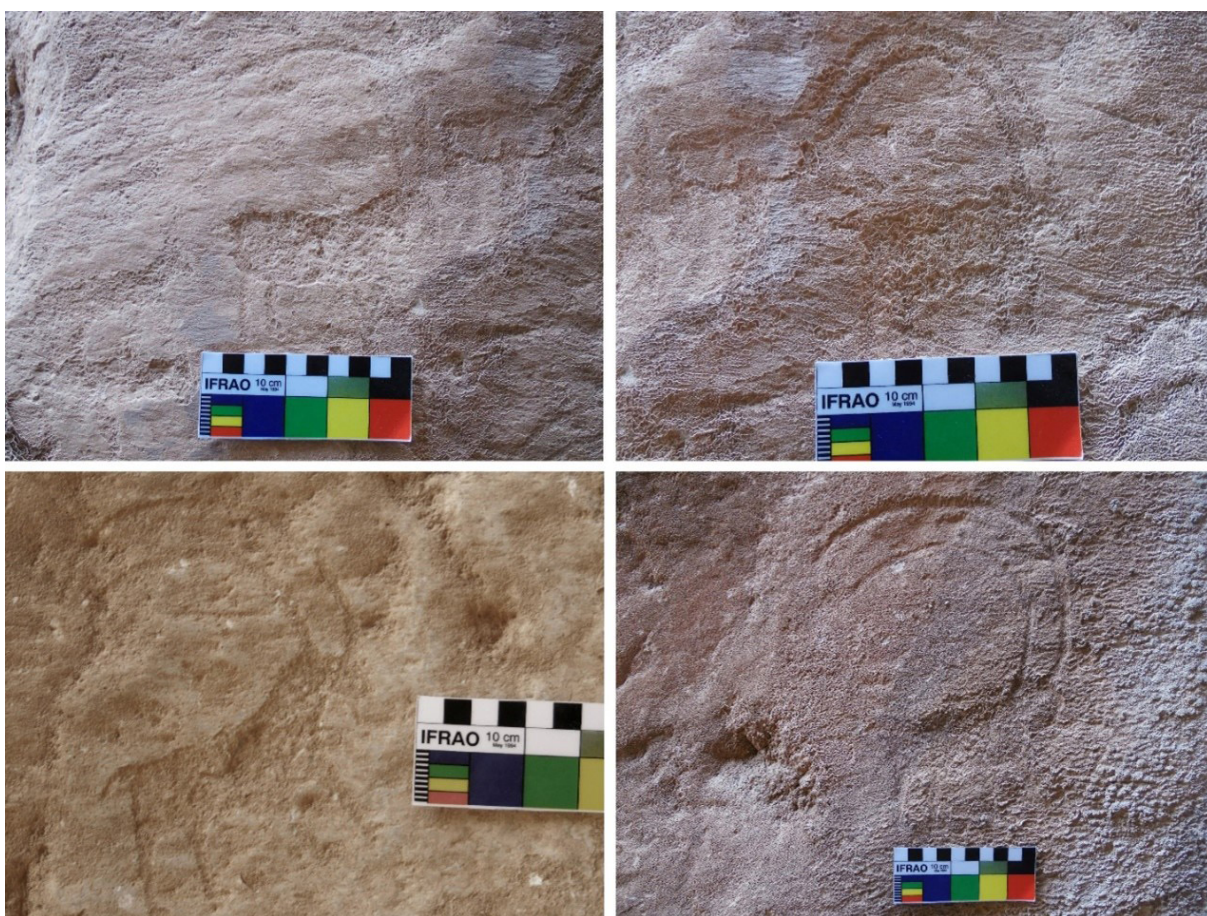
بررسی دیوارهای عمودی تنگ ژبوار نشان می‌دهد که تحول این تنگ در سه مرحله انجام گرفته است: ۱- نخست فرایندهای زمین‌ساختی و فرسایشی که موجب بریدگی سنگ‌های انحلال پذیر آهکی و فروریختگی آنها شده‌اند که در نهایت دره تنگ و بلند کارستی را در این بخش پدید آورده‌اند. ۲- فرایند فرسایشی و انحلالی که ناشی از جریان‌های کانالی، صفحه‌ای و نشستی هستند، بریدگی‌های افقی، تورفتگی دیواری و شیارهای عمودی را در دیوارهای تنگ پدید آورده و آن را به صورت بریده شده درآورده‌اند.



شکل ۲. نمایی از روستای ژبوار و موقعیت تنگ دربند.



شکل ۳. موقعیت محل نقوش در تنگ ژبوار.



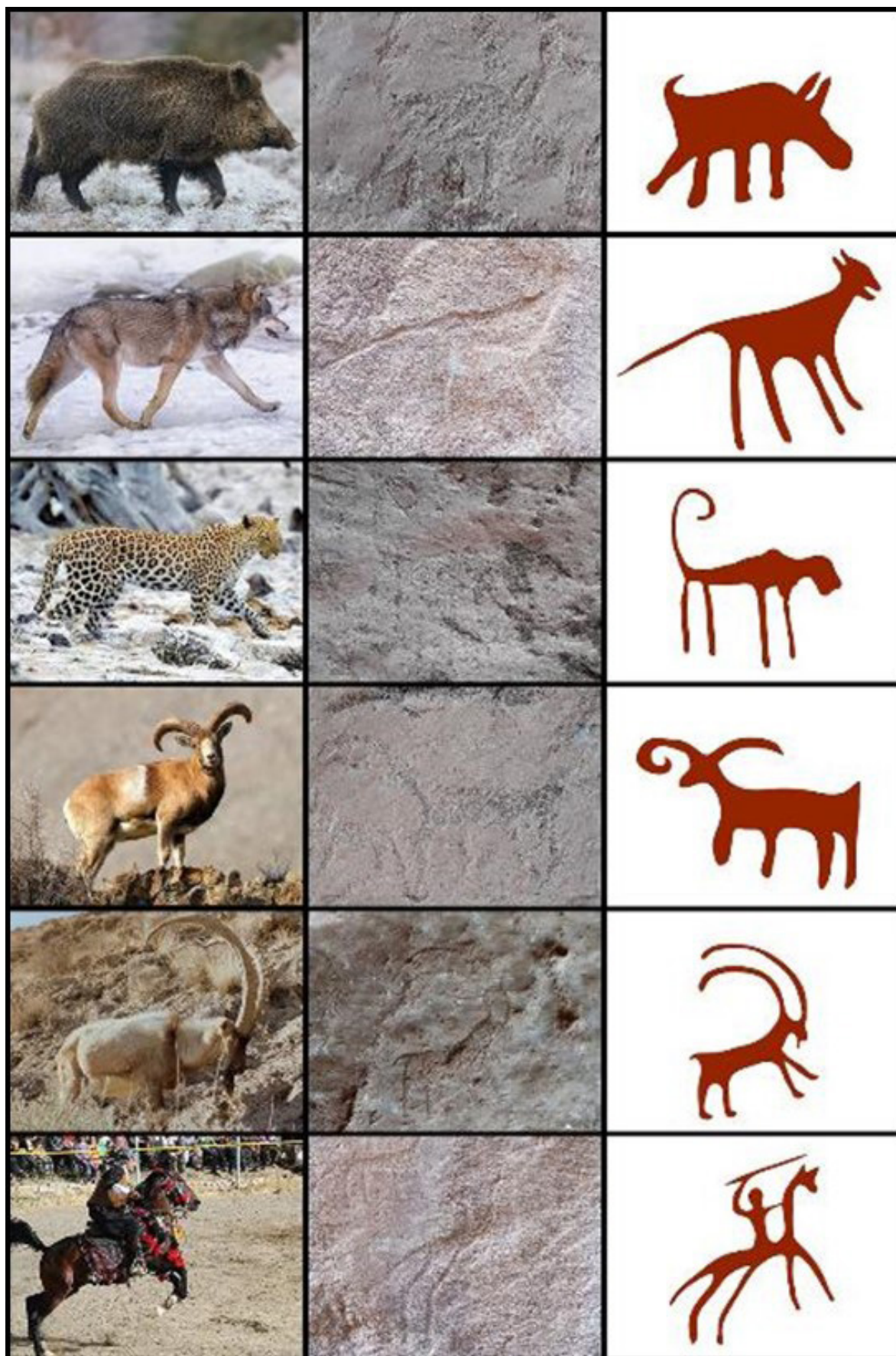
شکل ۴. بخشی از تصاویر نقوش بز کوهی در دیواره غربی، تنگ ژبوار.



شکل ۵. مراحل مستندنگاری نقوش.



شکل ۶. مراحل مستندنگاری نقوش.

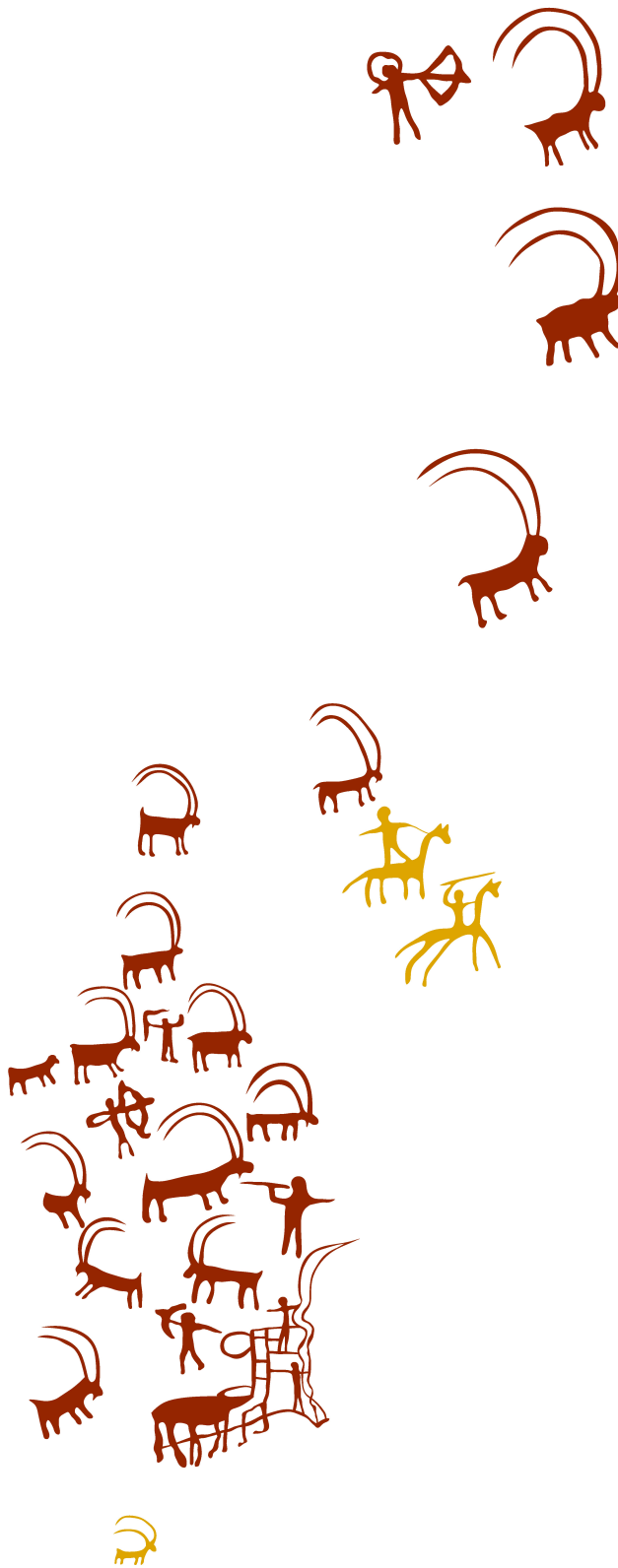


شکل ۷. گونه‌شناسی جانوری نقوش صخره‌ای ژیبور.

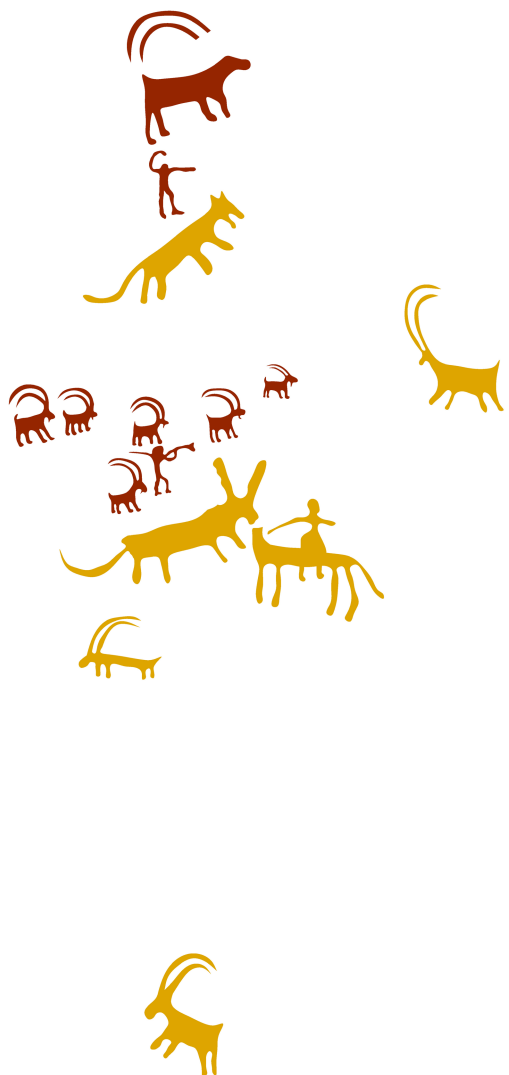
اصیل‌ترین نقوش و شاید نخستین تصاویر ثبت شده بر بوم سنگ‌های ژبوار که تکنیک بکار رفته در آن‌ها نسبت به سایر نقوش متفاوت است مربوط به اثر یک هنرمند در یک مقطع زمانی خاص بوده که در کار خود مهارت کافی داشته است. روش کار این هنرمند به این صورت بوده که ابتدا خطوط اصلی نقوش را به صورت خراش با یک شیء نوک تیز فلزی ترسیم کرده و سپس فضای داخل بدن را با ضربات بسیار کنترل شده و عمودی با دقت زیادی حکاکی کرده است، عمق تقریبی نقوش رسم شده بین ۱ تا ۳ میلی‌متر است. در این نقوش به جز شاخ بزهای کوهی که در ترسیم آن عمداً مبالغه و بزرگنمایی شده، بقیه تناسبات تا حد زیادی رعایت شده است و هنرمند در ترسیم تصاویر به جزئیاتی مانند سم، حرکت پاها و ریش در نقوش بز کوهی و همچنین حالات بدن شکارگران و سلاح‌های در دست آنها مثل نیزه، تیر و کمان و خنجر (دشنه) توجه و دقت کرده است (شکل ۸-۱۲).

نکته جالب و قابل اشاره این است که هنرمند این بازه زمانی قبل از ایجاد نقوش بر بوم سنگ اصلی در انتهای تنگ ژبوار به تمرین تصاویر با همین سبک پرداخته و روی مواردی مانند تناسبات اشکال و شدت ضربه به دیواره صخره‌ای کار کرده است. اما روی دیواره، نقوشی مانند اسب و سواران، گرگ، پلنگ و تعدادی نقش بز کوهی وجود دارد که در مرحله دوم ایجاد شده و به این دلیل تصویرگر نقوش خود را رو و یا در بین تصاویر اولیه به صورت فشرده ترسیم کرده است. در نهایت همه نقوش باعث شده که صحنه بسیار شلوغی روی دیواره صخره‌ای شکل بگیرد. اگر چه تصویرگر نقوش ثانویه تناسبات و جزئیات را رعایت نکرده اما توانسته منظور خود را بیان کند. تکنیک ایجاد نقوش در تصاویر سواران، گرگ و پلنگ به صورت کنده و کوبشی غیرمستقیم است. عمق تقریبی نقوش ۲ الی ۵ میلی‌متر و هنرمند با استفاده از یک وسیله فلزی و ضربات مایل و عمودی نقوش را ایجاد کرده است. در نهایت نقوشی که در مرحله سوم شکل گرفته تصاویری هستند که در ارتفاع کم و روی دیواره به تقلید از نقوش قدیمی و در سده‌های اخیر ترسیم شده است.

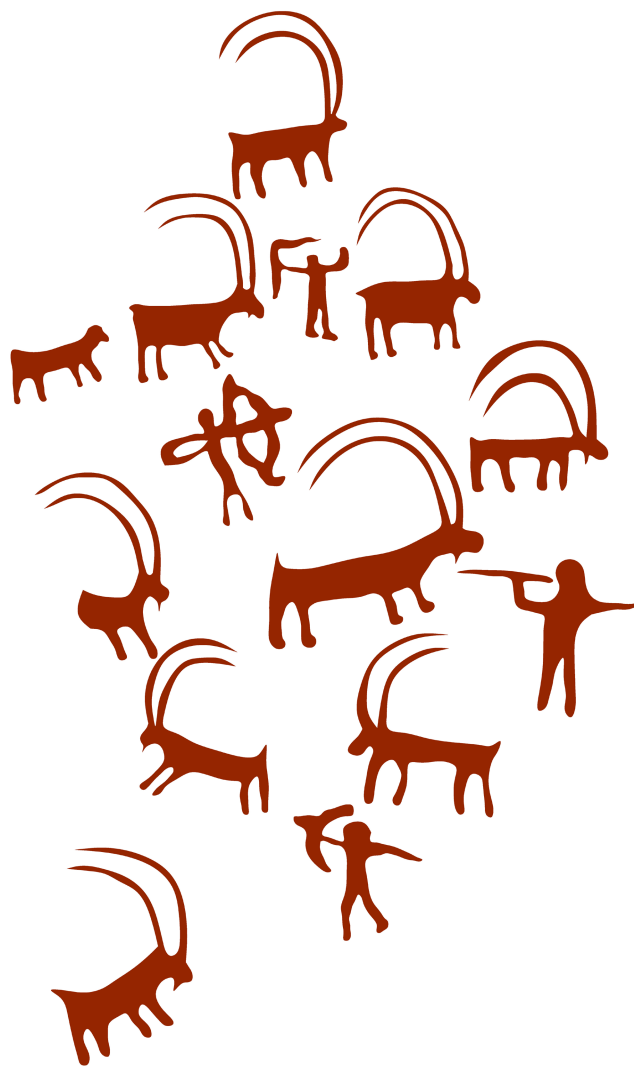
علاوه بر آن در این نقوش هیچگونه تناسب و جزئیاتی رعایت نشده و اشکال بدون دقت ترسیم شده‌اند. تکنیک ایجاد نقوش متاخر در تصاویر به صورت کوبشی مستقیم به وسیله سنگ نوک تیز



شکل ۸. طرح بخشی از نقوش دیواره غربی در سکوی دوم، نقوش مربوط به دوره اول (نقوش با رنگ قهوه‌ای) و دوره دوم (نقوش با رنگ طلایی)



شکل ۹. طرح بخشی از نقوش دیواره غربی در سکوی دوم، نقوش مربوط به دوره اول (نقوش با رنگ قهوه‌ای).



شکل ۱۰. طرح بخشی از نقوش دیواره غربی در سکوی دوم، نقوش مربوط به دوره اول (نقوش با رنگ قهوه‌ای).

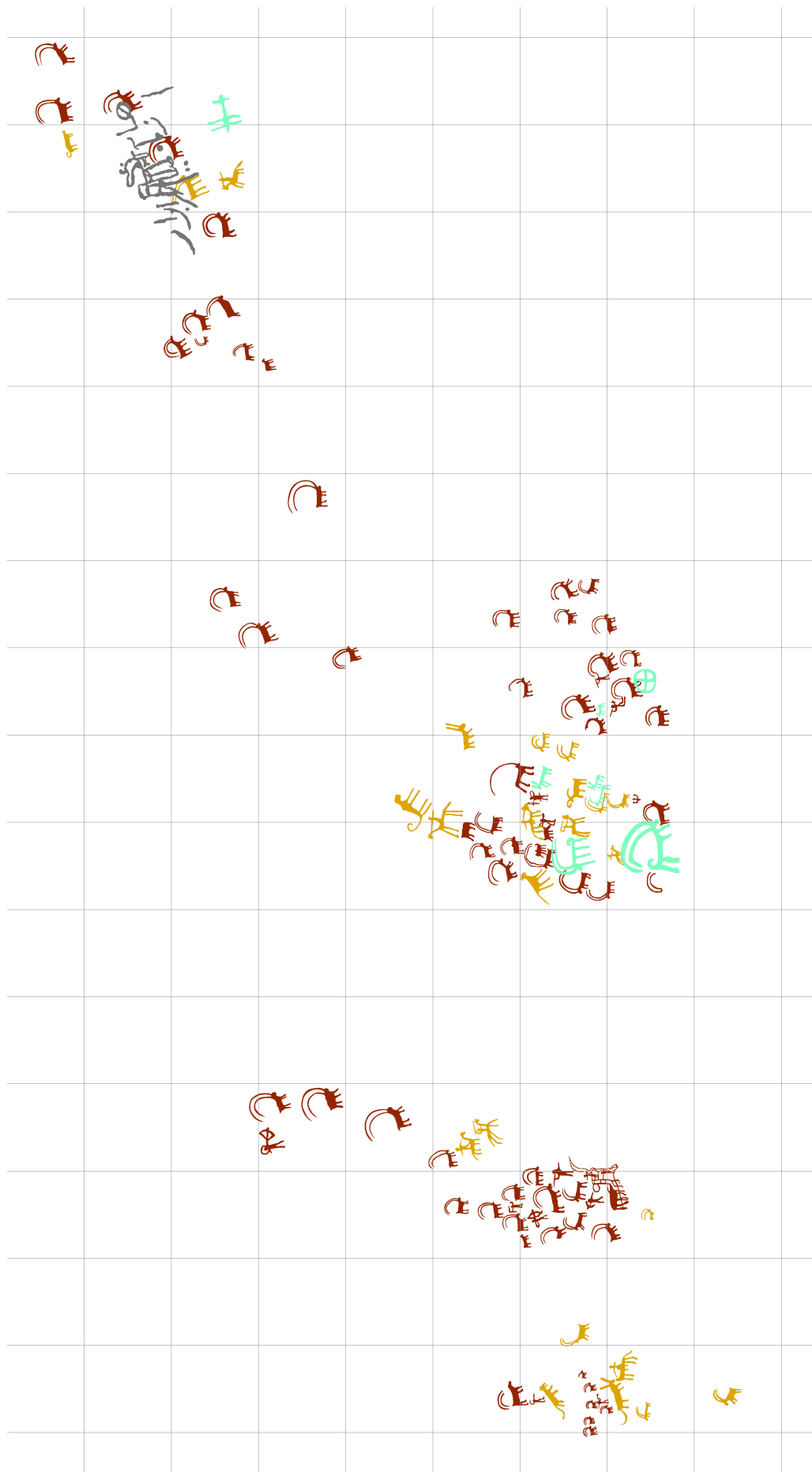
سنگی گردن آویز) و آیینی (هدایای تدفینی) حتی بازی کردن (تیله) درست می‌شدند و گوی‌های بزرگتر برای آسیاب کردن و خرد کردن مواد غذایی و مقاصد دیگر در زندگی روزمره استفاده می‌شدند به نظر می‌رسد که این گودی‌ها در طی دوران مختلف زمانی ایجاد شده باشند.

#### بحث و نتیجه گیری

بعد از تحلیل زمین ریخت‌شناسی محوطه به بررسی نقوش صخره‌ای ژيوار می‌پردازیم. با آگاهی از این که نگارگری پاسخ طبیعی و اغلب خودجوش بشر نسبت به محیط پیرامون خویش است و اهمیت موضوعات رسم شده را در آن دوره زمانی نشان می‌دهد؛ اما هدف از ایجاد نقوش چه بوده؟ دقیقاً مشخص نیست. با مطالعه تحلیلی تا حدی می‌توان به افکار خالقان نقوش پی برد. به طور مثال اهمیت موضوعی مانند بز

و با ضربات عمودی ایجاد شده است. در نقوش متاخر حکاک گاهی تصاویر خود را روی تعدادی از نقوش قدیمی‌تر ایجاد کرده و باعث از بین رفتن آن‌ها شده‌اند و در مواردی نقوش قدیمی را تازه و زنده‌سازی کرده است.

علاوه بر نقوش در اطراف محوطه صخره‌ای ژيوار روی کف و دیواره‌ها، چاله‌هایی به شکل نیم دایره در ابعاد مختلف وجود دارد. این گودی‌های کم عمق که داخل آنها کاملاً صیقلی است برای ساخت اشیای گرد سنگی به کار رفته است. جنس آهکی نرم و سمباده مانند دیواره به سازنده ماهر این امکان را می‌دهد تا گوی خود را به طرز شگفت‌آوری صیقل دهد. با توجه به ابعاد مختلف چاله‌ها به این موضوع پی می‌بریم که اندازه گوی‌های ساخته شده متفاوت است. گوی‌های ساخته شده کاربردهای متفاوتی داشته‌اند، به عبارتی گوی‌های کوچک برای مقاصد تزئینی (مهره‌های



شکل ۱۱. طرح کلی نقوش دیواره غزبی دربند ژبوار (ابعاد هر مربع ۵۰ × ۵۰ سانتی‌متر است).



شکل ۱۲. طرح بخشی از نقوش دیواره غربی در سکوی دوم، نقوش مربوط به دوره اول (نقوش با رنگ قهوه‌ای) و دوره دوم (نقوش با رنگ طلایی) و نقوش مربوط به دوره‌های جدیدتر (نقوش با رنگ سبز).

کتیبه، سفال‌های متنوع و گورستان‌های سنگی گروهی (مانند قوته‌بره و شیران در نزدیکی روار) یافت شده‌اند. این گورها نه تنها اطلاعاتی از وضعیت جسمانی و آیین تدفین مردمان آن زمان می‌دهند (سرفراز ۱۳۴۷، قسیمی و همکاران ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸، Ghasimi et al 2021، Saed Mucheshi et al. 2019) بلکه با کشف اشیایی مانند مهره‌های صدفی، نشان از پیوند این منطقه با شبکه‌های تجاری گسترده در غرب زاگرس دارند (Manca et al 2021) در نهایت، در دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی)، اگرچه شواهد پراکنده‌اند، اما سفال‌های به‌دست‌آمده از سرچم روار و حتی استفاده مجدد از گور قوته‌بره، حاکی از تداوم استقرار در این منطقه است (ساعد موچشی و همکاران ۱۳۹۵، قسیمی و همکاران ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸، Ghasimi et al. 2021).

با اینکه تصاویر نمادین در صحنه‌های موجود در نقوش صخره‌ای ژبوار وجود دارد اما به صورت کلی موضوع اصلی آن شکار است. تصویر بزکوهی در آن بیشترین فراوانی را دارد و نشان از اهمیت این جانور در زندگی انسان طی دوره‌های مختلف است. فراوانی تصویر بز کوهی می‌تواند مفاهیم

کوهی برای ساکنان کوچ‌رویی که خود دامدار بودند این است که تعداد دام‌هایشان در حدی نبوده که معیشت آنها را تامین کند در نتیجه تامین پروتئین از منابع خدادادی برای آنها یک امر حیاتی بوده است. برای ساکنان شکار مسئله مهمی بوده و چون این کار بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود برای آن به صورت تصویری و گفتاری داستان‌سرایی می‌کردند.

شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که استقرار انسان در منطقه هورامان از دوره مس‌سنگی میانه (۴۵۰۰ تا ۴۰۰۰ پیش‌ازمیلاد) آغاز شده است. در این دوره، نخستین روستاها، مانند محوطه سرچم در نزدیکی روستای روار در جنوب شرق ژبوار، در اراضی کم‌شیب مشرف بر رودخانه ژوه‌رو شکل گرفتند (ساعد موچشی و همکاران ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸). همزمان، الگوی معیشتی مبتنی بر رمه‌گردانی نیز با استفاده فصلی از غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای در جریان بود. با گذر به دوره مفرغ، شواهد محدودتر می‌شود، اما محوطه سرچم نشانه‌هایی از استقرار در اواخر این دوره (۱۹۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش‌ازمیلاد) را در خود حفظ کرده است. اوج شکوفایی سکونت در هورامان مربوط به دوره آهن است، که در آن بقایای معماری،

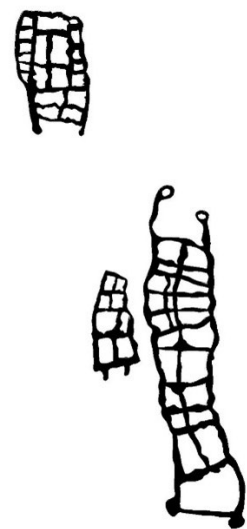
سنت آیینی باشد که ساکنان دوره مفرغ منطقه در این دره دورافتاده و عمیق برگزار می‌کردند که آثاری از شواهد این دوره در محوطه‌های سرچم روستای روار و تپه قلعه ننه شهرستان مریوان شناسایی شده است (ساعدموچشی و همکاران ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸). ساکنان دوره بعدی که آثار خود را به تصویر کشیده‌اند احتمالاً مربوط به دوره آهن باشند که آنها نیز به واسطه وجود نقوش دوره مفرغ بر دیواره‌های دربند ژبوار این سنت را ادامه داده‌اند و همچنین مکان‌های مهم دوره آهن در دو کیلومتری (قلعه سلین) و هزار متری این نقوش قرار دارند. نقوش رسم شده در این دوره عمدتاً شامل نقوش اسب سواران و گونه‌های جانوری مثل غلغواران و درندگان است. قدیمی‌ترین شواهد اهلی‌سازی اسب مربوط به فرهنگ بوتای از اواخر هزاره چهارم پ.م در منطقه قزاقستان است. موج دوم اهلی‌سازی مربوط به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد می‌شود که در استپ پونتی-خزری رخ داد. نسب بیشتر اسب‌های امروزی مربوط به موج دوم اهلی‌سازی در عصر مفرغ و آهن است (Gaunitz et al. 2018). هرچند که بقایای استخوان اسب از چندین محوطه هزاره پنجمی و چهارمی در ایران نظیر تپه قبرستان، تپه ازبکی، گودین تپه و دیگر محوطه‌ها به دست آمده است، وضعیت اهلی‌سازی آنها کاملاً مشخص نیست و نیاز به آزمایش‌های دیرین‌ژنتیک دارد (Mashkour 2003). شواهد متقن از اسب‌های اهلی در غرب آسیا و ایران، مربوط به اواسط هزاره سوم پیش از میلاد به بعد، یعنی دوره‌های مفرغ و آهن می‌شود (Libardo et al. 2021).

شواهد اسکلت کامل و استخوان‌های اسب‌های اهلی در ایران از اواخر هزاره سوم پیش از میلاد به بعد از محوطه‌های مختلفی به دست آمده است. اسکلت کامل چند اسب از ساختمان‌های سوخته دوره‌ی آهن ۲ در تپه حسنلو شناسایی شده است (داودی و مشکور ۱۳۹۸). سوارکاری و استفاده از اسب برای کشیدن ارابه از همین زمان افزایش یافته که شواهد مستقیم و غیرمستقیم آن در ایران و سرزمین‌های همجوار به دست آمده است. اهلی‌سازی اسب همچنین امکان جابجایی و مهاجرت بیشتر جمعیت‌های انسانی، نظیر اقوام هند و ایرانی، را فراهم کرد. منطقه غرب و شمال غرب ایران با توجه به دارا بودن زیست محیط‌های متنوع و مناسب، یکی از مناطق مهم پرورش اسب بوده است. به طوری که در کتیبه‌های آشوری و اورارتویی به منطقه نسا یا نیسایه در سرزمین ماد اشاره می‌شود که در حدود استان کرمانشاه و همدان جایابی می‌شود. اسب‌های نیسایه به خوش قامتی، تنومندی و زیبایی شهرت داشته‌اند و در دربار شاهی از آنها استفاده می‌شده است (Clément et al. 2020). و در نهایت نقوش دوره‌های متاخرتر که در مواردی روی نقوش قدیمی‌تر ایجاد شده‌اند عمدتاً شامل نقوش بز کوهی و دایره یا چلیپا هستند که

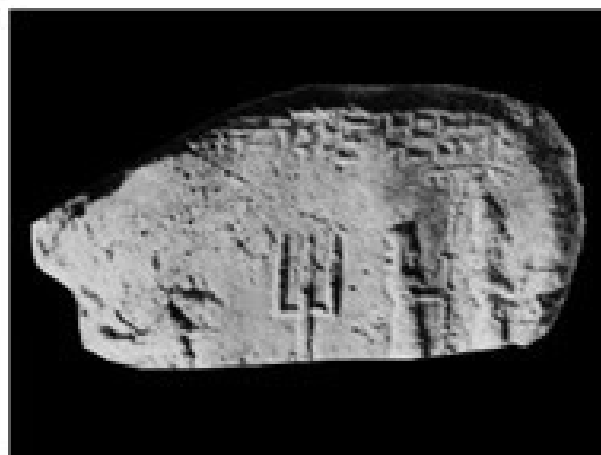
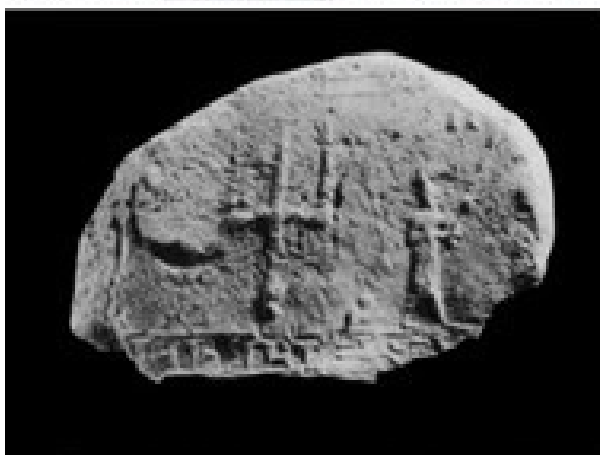
معیشتی و یا آیینی و اعتقادی را داشته باشد. با استناد نمونه‌های به دست آمده از مناطق مختلف ایران تکرار نقش بز کوهی نشان‌دهنده اهمیت این جانور و همچنین جایگاه مهم آن در باورها و اساطیر مردمان گذشته بوده است (شکل ۴).

در نقوش ژبوار علاوه بر موضوع شکار که تاکید زیادی به آن شده است، شایان ذکر است که در چارچوب مطالعات نقوش صخره‌ای، نقاط عطف قابل توجهی وجود دارد. یکی از برجسته‌ترین این نقوش، تصویر "اسب و سوار" است. تصویر قابل بحث دیگر در نقوش ژبوار تیر و کمان است. تیر و کمان به شکارچی امکان می‌دهد که از فاصله دور، جانوران گریزنا و نیرومند را هدف قرار دهد که همین امر باعث شده تصویرگر این وسیله را که در آن زمان مهم و کاربردی بوده به نمایش در بیاورد. تصویر مهم دیگر در نقوش صخره‌ای ژبوار وجود نقوش ماریبیچ مانند یا حلزونی است. خطوط حلزونی یا ماریبیچ نمونه‌ای از گسترش متناوب فرم حول یک نقطه مرکزی است. اشکال ماریبیچی در دوره‌های مختلف پیش از تاریخ و تاریخی مورد توجه بوده است به عنوان مثال می‌توان به اشیاء داخل گورهای دوره آهن در روستای روار، نوشیجان همدان و زیورآلات دوره مفرغ جدید مارلیک اشاره کرد. در مجموع این نقوش در دوره‌های مفرغ و آهن بسیار مورد توجه بوده‌اند. همچنین تصویر طناب در نقوش ژبوار یک نقش نادر است که نظیر آن کمتر دیده شده و وجود آن در نگاه اول در میان دیگر تصاویر عجیب به نظر می‌رسد؛ اما در واقع وجود این نقش چندان هم عجیب نیست چون طناب یک وسیله کاربردی مهم برای دسترسی به دو سوی رودخانه‌های منطقه خصوصاً رودخانه پر آب سیروان و همچنین عبور از مناطق صخره‌ای بوده که البته بدیهی است به لیست موضوعات با اهمیت آنها اضافه شود (شکل ۱۳). یکی از جالب‌ترین تصاویر در نقوش ژبوار وجود یک شیء شبیه نیزه سه شاخه است که یکی از علایم شاخص در بعضی از فرهنگ‌ها مانند اوراتور است. بعدها علامت لنگر یا همان شیء سه شاخه که سمبل مذهبی است روی اکثر سکه‌های الیمایی در کنار چهره پادشاهان، مشاهده می‌شود. این علامت را برخی به عنوان لنگر کشتی و یا سه شاخه پوزیدون، خدای دریا‌های یونان می‌دانند (شکل ۱۴).

برای گاهنگاری نسبی نقوش صخره‌ای ژبوار بر اساس نتایج پژوهش‌های محوطه‌های باستانی منطقه، نقوش انسانی و جانوری، ابزار شاخص در تصاویر، تاثیرات فیزیکی محیط روی نقوش همچنین تکنیک و شیوه‌های ایجاد می‌توان سه دوره را پیشنهاد داد. دوره اول شامل نقوش مکرر بزکوهی و افراد کماندار است که با توجه به پتینه بیشتر و نبود عناصر جدیدتر مثل اسب در آنها و ارتفاع بیشتر نسبت به کف (۴ الی ۶ متری از کف تنگ)، همچنین ترسیم نقوش به صورت متراکم و تکرار آن تا ارتفاع بالا در صحنه شاید مرتبط با یک



شکل ۱۳. طرح و شکل نقوش طناب در بنوکمه‌مره ژبوار که یادآور پل‌های ساخته‌شده از شاخه‌های درخت انگور در منطقه است.



شکل ۱۴. طرح و شکل یک نیزه سه سر بدست آمده از دریند ژبوار، تصاویر بالا و تصاویر سر نیزه سه سر مربوط به فرهنگ اورارتور، تصاویر پایین (Kleiss 1980).

این نقوش می‌تواند به دوره‌های تاریخی و دوره‌های اسلامی مرتبط باشد.

البته تداوم سنت نگارگری از گذشته به زمان حاضر باعث شده آسیب فراوانی به بسیاری از نقوش اصیل و قدیمی تر وارد شود. گاه‌نگاری فوق، پیشنهادی و بر اساس مطالعه تحلیلی است اما برای اطمینان، ضروری است که در آینده از شیوه‌های گاه‌نگاری مطلق خصوصاً شیوه سری اورانیوم برای سالیابی لایه‌های کلسیت روانه سنگ موجود روی برخی از نقوش استفاده کرد. در پایان باید اشاره کرد که مجموعه نقوش تنگ دربند ژبوار از لحاظ تنوع سبک و موضوع و تعداد نقوش در منطقه هورامان منحصربه‌فرد بوده و شایسته است در آینده علاوه بر انجام مطالعات تکمیلی و اجرای برنامه‌های مرمتی و آسیب‌زدایی، این تنگ برای تبدیل به مکان موزه مورد بررسی و سنجش بیشتری قرار گیرد.

### سپاسگزاری

از جناب دکتر فریدون بیگلری به خاطر بازبینی متن و راهنمایی و پیشنهادات سودمندشان بسیار سپاسگزاریم. از مهندس محسن علوی، دکتر پویا طالب نیا، دکتر امیر ساعد موچشی، دکتر حسین داودی، خانم ناهید غفوری و اهالی محترم روستای ژبوار بسیار سپاسگزاریم.

### منابع

بیگلری، فریدون  
۱۴۰۲ "باستان‌شناسی هورامان با تکیه بر نتایج پژوهش‌های باستان‌شناسی محدوده سد داریان، هورامان: تاریخ و فرهنگ، به کوشش اسماعیل شمس و کیومرث ایران‌دوست، صص. ۲۹-۱۰، دانشگاه کردستان، سنندج.

بیگلری، فریدون، سونیا شیدرنگ، مرتضی رحمتی، مرجان مشکور، امیر ساعدموچشی، طاهر قسیم، سپهر زارعی، مسعود اکبری، ندا حسین تهرانی، سیروان محمدی، صلاح نصراللهی، حسین داودی، سربه امیری، هما فتحی، محمد عبدالله‌پور

۱۳۹۵ "بررسی و کاوش نجات‌بخشی در محدوده سد داریان، اورامان (هورامان)، کردستان و کرمانشاه"، گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، صص. ۴۹-۵۴، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.

داودی، حسین و مشکور مرجان

۱۳۹۸ "اقتصاد زیستی طی عصر مفرغ و آهن در شمال غرب ایران بر اساس پژوهش‌های باستان‌جانورشناسی در تپه حسنلو"، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار، به کوشش یوسف حسن‌زاده، علی اکبر وحدتی و زاهد کریمی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و موزه ملی ایران، صص. ۴۸۴-۵۲۰.

ساعدموچشی امیر

۱۳۹۳ گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم تپه سرقلعه سروآباد. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان، سنندج.

ساعدموچشی، امیر؛ سیروان محمدی قصریان، مرتضی زمانی دادانه، سلمان خسروی، سربه امیری

۱۳۹۵ "گزارش کاوش نجات‌بخشی محوطه سرچم روستای روار، محدوده سد داریان، هورامان، کردستان، مجموعه مقالات گزارش‌های باستان‌شناسی پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور.

ساعدموچشی، امیر. سیروان محمدی قصریان و اقبال عزیزی  
۱۳۹۶ "تپه قلعه ننه شهرستان مریوان: زیستگاه باستانی در غرب ایران"، مجله باستان‌شناخت، شماره پنجم، دوره چهارم: ۲۰-۷.

ساعدموچشی، امیر؛ امیر اثنی‌عشری، سید مرتضی رحمتی، رؤیا بهادری، فرح سادات مدنی  
۱۳۹۸ "مطالعه ساختاری سفال‌های منطقه هورامان استان کردستان (محوطه‌های سرچم، برده مار و کناچه‌گ، پژوهش باستان‌سنجی، سال ۵، شماره ۱، ۱۲۷-۱۰۵).

سرفراز، علی‌اکبر

۱۳۴۷ "سنگ‌نبشته میخی اورامانات"، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۱۷، ۳۴-۱۳.

شیدرنگ، سونیا؛ فریدون بیگلری، حسین داودی، هادی شریفی، هما فتحی، مرتضی رحمتی، سپهر زارعی، طاهر قسیم  
۱۳۹۵ "گزارش مقدماتی کاوش‌های نجات بخشی در مکان‌های پارینه‌سنگی هجیج (محدوده سد و نیروگاه داریان)، پاوه، کرمانشاه"، مجموعه مقالات گزارش‌های باستان‌شناسی پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور عزیز، اقبال، بی‌تا، گزارش بررسی منطقه هورامان، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان مریوان، کردستان.

قسیمی، طاهر

۱۳۸۵ بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای در استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).

۱۳۸۶ "گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه اورامان"، باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳: ۸۱-۷۱.

۱۳۹۸ "سیری بر هنر صخره‌ای"، مجله باستان‌شناسی، دوره سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۱.

قسیمی، طاهر، مسعود اکبری، مجتبی قاسمیان، آکام قسیم، محمدرضا قدری، حسین داودی، اقبال عزیزی، و محمدرستگار رضاقلی  
۱۳۹۵ "کاوش نجات‌بخشی یک گور عصر آهن در روار، محدوده سد و نیروگاه داریان، هورامان، کردستان"، گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش حمیده چوبک، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص. ۴۹۹-۵۰۴.

### References

Clément, J., M. Spruyt, H. Davoudi, A. F. Mohaseb, A. Fages, M. Mashkour, L. Orlando  
2020 "Les chevaux du plateau iranien, acteurs méconnus des empires de l'Orient ancien." In: d'Eric Baratay (ed.), *Croiser les sciences pour lire les animaux, Homme et société* 67, série histoire environnementale 07, Paris, Editions de la Sorbonne: Pp. 65-88.

- Gaunitz, D.; A. Fages, K. Hanghoj, A. Albrechtsen, N. Khan and et al.  
2018 "Ancient genomes revisit the ancestry of domestic and Przewalski's horses", *Science*, Vol. 360, Issue 6384: Pp. 111-114.
- Ghasimi, T.  
2007 "La gravures rupestres d'Uraman (Iran)", *Préhistoire, art et société*, LXII: Pp. 89-106, Bulletin de la Société préhistorique Ariège-Pyrénées.
- Ghasimi, T.; M. Akbari, M. Ghasemian, A. Ghasimi, M.R. Ghadri, F. Bahrololoumi Shapurabadi, A. Fujisava, H. Davoudi, L. Manca, N. Salehvand, M. Azimi, E. Azizi, and D. Agha-Aligol  
2021 "Ruwar Tomb: New Insights into Material Culture, Burial Practice and Bioarchaeology of the Iron Age Communities in the Hawraman Mountains, Kurdistan, Iran". *Bulletin of Miho Museum*, 21: Pp. 111-122.
- Lahafian, J.  
2004 "Petroglyphs of Kurdistan", *Rock Art Research*, 21 (1): Pp. 3-10.
- Librado, Pablo, Naveed Khan, Antoine Fages, Mariya A. Kusliy, Tomasz Suchan, Laure Tonasso-Calvière, Stéphanie Schiavinato et al.a  
2021 "The origins and spread of domestic horses from the Western Eurasian steppes." *Nature* 598, no. 7882: Pp. 634-640.
- Manca, L.; M. Mashkour and T. Gashimi  
2021 "Between land and sea. Recent research on the exploitation of marine shells from the Neolithic to the Iron Age in Iran", *Colloquium in homage to Emilie Campmas "Human societies and environments in the circummediterranean zone from the Pleistocene to the beginning of the Holocene" 8-9 March 2021*, Toulouse (France).
- Mashkour, M.  
2003 "Equids in the northern part of the Iranian Central Plateau from the Neolithic to Iron Age: new zoogeographic evidence", In: M. Levine, C. Renfrew and K. Boyle (eds.), *Prehistoric Steppe Adaptation and the Horse*, Cambridge: McDonald Institute for Archaeological Research: Pp. 129-138.
- Saed Mucheshi. A. and S. Khalifeh Soltani  
2019 "Shiran: a submerged Iron Age grave in the Darian dam, Hawraman, Kurdistan". In Y. Hassanzadeh, A. A. Vahdati and Z. Karimi (eds.), *Proceedings of the international conference on the Iron Age in western Iran and neighboring regions*, Vol. 2: Pp. 215-226, Tehran, RICHT.